



نویسنده: جان دبلیو وایتهد «John W. Whitehead»
منبع و تاریخ نشر: انفارمیشن کلیرنگ هوز «2020-12-29».
برگردان: پوهندوی دوکتور سید حسام «مل» .

سال دو هزار و بیست سالی که درخت آزادی به آتش کشیده شد

2020: The Year the Tree of Liberty Was Torched



مردم نا آگاه و یا بی اطلاع هستند ؛ آنها تحصیل نکرده اند ؛ تا بفهمند که آنها قدرت و توان دارند
این سیستم به حدی آماده و در حرکت است که همه معتقد اند ؛ دولت همه چیز را بر طرف خواهد کرد
؛ ما دولت هستیم -- **جان لینون**

The people are unaware. They're not educated to realize that they have power. The system is so geared that everyone believes the government will fix everything. .”—John Lennon

در این مورد بدون شک سال «2020» سال وحشتناک ، ناگوار و ناخوشایند، سال بسیار بدی
برای آزادی ، اوج یک دهه ترس ، ناگوار ، نا پسندی و بسا بد برای حریت و آزادی بود ، فشار
دولتی ، استبداد ، و سوء استفاده همراه با بهترین ذهنیت و مندانستی برادر بزرگ «همه گیر» کوبد
نزده ؛ ما را به سرعت تند و تیز به سمت یک دولت پلیسی تمام عیار ، که در آن قرنطین سراسری
، نظارت بی نظیر و جستجوی نوارهای کنار جاده ، تیراندازی پلیس به شهروندان غیر مسلح، سانسور

، دستگیری های تلافی جویانه ، جرم انگاری فعالیت های قانونی ، جنگ طلبی ، بازداشت های نامشخص وبدون وضاحت جرم ، یورش های تیم سوات (SWAT = گروهی از افسران پلیس است = special weapons and tactic)، ضبط یا مصادره دارایی ها ، بی رحمی پلیس ، زندان های سود محوری ، که از سوی سیاستمداران بعنوان یک امر عادی پذیرفته شده سوق داد . در اینجا فقط یک نمونه کوچک از لست سوء استفاده ها اعم از تظلم ، توحش ، بی رحمی ، برخورد غیر اخلاقی مغایر قانون اساسی و غیر قابل قبول به چشم میخورد که توسط دولت طی دوده گذشته وبویژه در یک سال گذشته بر جمع ما تحمیل شده ویا بکار رفته است .

دولت نتوانست ویا که نخواست از زندگی ؛ آزادی وخوشبختی ما محافظت کند یاکه زندگی سعادت مندی را برای ما فراهم کند ؛ شکارچیان دولت پلیسی ، آزادی های ما ، وزندگی اجتماعی ما را ویران کردند دولت به داد شهروندان گوش فرا نداد از پیروی به قانون اساسی سر باز زد ویا که امتناع ورزید وبه شهروندان بعنوان منبع تامین مالی وموارد دیگر برخورد ویا رفتار کردند، افراد پلیس به شهروندان غیر مسلح یا به حیوانات اهلی وخانگی آنها شلیک کردند ، ماموران دولتی از جمله پلیس محلی که تا دندان مسلح بودند وتشویق می شدند که مانند یک سرباز در میدان جنگ در برخورد با مردم عمل کنند . اجنت های آژانس های متورم از نفخه وباد مجوز فرار از پرداخت مالیات داشتند ویا که از پرداخت مالیات معاف بودند ، تکنیشن های دولتی از طریق ایمل ها وتماس های تیلیفونی در بین ما جاسوسی میکردند وپیمان کاران دولتی با به راه انداختن جنگ های بی پایان در خارج از کشور کشتار کردند .

ریس ویا روسای جمهور آمریکا بیشتر شاهنشاهان وامپراتوران در زمان زمامداری خود شدند با وجودیکه ساحه اختیارات آنها در قانون اساسی تعیین شده وتا حدی محدود شده است ، اما در سالهای اخیر روسای جمهور آمریکا (ترامپ ، اوباما ، بوش وکلنتون) حد وحدود قدرت شان را تغییر دادند که بطور کامل وتقریباً یک جانبه چشم انداز این کشور را به ارتباط موارد خوب ویا خراب تغییر داده است . اختیاراتی که از طریق سهل انگاری ویا بی تفاوتی کنگره ودادگاه ها ویا توسط هر ریس جمهور متوالی جمع شده است یا بدست آمده است ؛ اختیاراتی که به یک جعبه ابزار برای یک حاکم شاهنشاهی اضافه میشود ؛ هرکسی که در قصر سفید دفتر بیضی را اشغال میکند ویا براریکه قدرت دولتی تکیه میزند وبعنوان یک دیکتاتور بالاتر از قانون قدرت را به دست میگیرد . ریس جمهور خود به یک مقام امپراتوری بدون پاسخگویی با داشتن اختیارات دایمی تبدیل شده ویا که میخواهد مبدل شود یعنی در مقابل سوال پاسخگو نباشد .

پلیس نظامی شده بخودی خود تبدیل به نیروی شد ؛ تماس های (911 = شماره تلفن های عاجل) مرگبار وکشنده شد وتوقف در ترافیک بدتر شد، فاقد شفافیت ، وپاسخگویی ؛ توسط دادگاه ها وقانون گزاران حافظ قوانین از بین رفت ورفتارهای ناشایست نیز در بسا موارد یک اقدام عادی پنداشته شد ، نیروهای پلیس آمریکا همچنان تهدیدی برای شهروندان را بمنظور حاکمیت قانون می شمارند علیرغم نگرانی در مورد تبدیل قدرت در حال تداوم پلیس محلی که توسط دولت به یک ارتش نظامی ثابت مبدل شده اند ؛ آژانس های پلیس محلی حتی دسترسی به سلاح ، آموزش ، وتجهیزات مناسب را همچو بمنظور سرباز میدان جنگ پیدا کردند واز سوی هم بادلائیل مختلف به افسران پلیس اجازه داده شد تا هرکسی را که آنها خواسته باشند مجبور کند و آنها را تحت جستجوهای اجباری حفرات بدن «احشای مجوف عضویت» ، کولونوسکوپی (colonoscopy) اجباری ، خونگیری بگونه اجباری برای معاینه کردن لوجه خون ، آزمایش هوای انشاق شده بخاطر موجودیت ویا عدم موجودیت الکهول در هوای ضفیری شش ها ، معاینه اجباری دی ان ا (DNA) اسکن چشم اجباری وگنجانیدن یا جابجا کردن اجباری در پایگاهها ویا مراکز تجمع بیومتریکی قرار دهند . روند حیرت انگیز وثابت به احکام دولت طرفدار پلیس توسط نهادی را نشان میدهد که بیشتر مربوط به برقراری نظم وحمايت از طبقه حاکم وکار گزاران دولت است تا حمايت از حقوق حقه مردم مندرج در قانون اساسی .

دادگاه ها نتوانستند که عدالت را رعایت کنند ، با صدور هر حکمی از طرف دادگاهها آشکار تر میشود که ما در دوره ای از تامین عدالت میان تهی زندگی میکنیم ، دادگاههای دولتی بیشتر از حفظ حقوق ما «مردم» به محافظت از کار گزاران دولت می پردازند . این درهمه سطوح دادگستری ها

صادق است، بویژه در بالاترین دادگاه این کشور. دادگاه عالی ایالات متحده که ظاهراً بیشتر به دنبال برقراری نظم و حمایت از کارگزاران دولت است، تا رعایت حقوق مندرج در قانون اساسی. مروری که طی دو دهه بر احکام دادگاههای حیاتی صورت گرفت از جمله برخی احکام شوم توسط دیوان عالی ایالات متحده روند حیرت انگیز و ثابت نسبت به احکام دولت طرفدار پلیس توسط نهادهای را نشان میدهد که بیشتر مربوط به برقراری نظم و حمایت از طبقه حاکم و کارگزاران دولت است تا حمایت از حقوق مندرج در قانون اساسی.

کوید نزده (COVID-19) به دولت حالت اضطراری را اجازه داد تا قدرت خود را تحت عنوان جلوگیری از این بیماری ویروس کرونا آغاز کند تا ملت «جهان» را از شر این بیماری کشنده نجات دهد. حالانکه این قدرت شکل دیگری را بخود گرفت یا که به وسیله دیگری تبدیل شد که دول جهانی «از جمله خود ما» میتوانند قدرت خود را گسترش دهند از اقتدار بدست آمده خود سوء استفاده کنند و به رای دهندگان خود ظلم بیشتری روا دارند؛ درحالیکه کوید نزده از نظر عاطفی؛ جسمی و اقتصادی آسیب قابل توجهی به ملت وارد کرد اما به دولت این امکان را داد که با صحبت در مورد آزمایش گسترده ای **انتی بادی ها (Anti bodies)** کوید نزده با؛ بازرسی در ایستگاهها و با مراکز بازرسی، حقوق ما را به اصطلاح تحت عنوان امنیت ملی زیر پا بگذارد؛ بررسی شامل ردیابی تماس، گذرنامه مصونیت واکسیناسیون اجباری، با سروصدای سنگین افشای راز به پلیس و شرایط قرنطین.

دولت نظارتی یا پلیسی؛ شهروندان آمریکایی را در معرض تهدیدهای جاسوسان دولت، پلیس، هکرها و شکست توان و قدرت قرار داد، با تشکر از تلاش های مستمر دولت برای ایجاد مراکز داده های عظیم با استفاده از تکنالوژی های جدید نظارت؛ (DNA) و بیومیتریک که آمریکایی ها تا حدی همچو مردم بیدفاع و آسیب پذیر برای هکرها و جاسوسان دولت قرار گرفته اند یا نشسته اند. قابل تذکر است که میلیاردها نفر تحت تاثیر نقض داده ها و حملات سایبری قرار گرفته اند، آمریکایی ها بطور روزمره وادار شده اند تا از سری ترین و مخفی ترین اسرار و جزئیات زندگی خود از ترکیب بیولوژیکی؛ نقشه های جنیتیکی؛ اسکن عنبیه چشم خود صرف نظر کنند و خود را در معرض بررسی اداره پلیس ایالات متحده قرار دهند. تا مقامات از این طریق استفاده ببرند یا بکنند؛ جهانی که بطور فزاینده ای از نظر فناوری امکانات چندی در دست دارد.

آمریکا کنون به یک کشور دارای پرچم قرمز تبدیل شده است و بطور خاص با بکار گرفتن قوانین پرچم قرمز قوانین قبل از جرم؛ ما را به سمت جامعه ای مشکوک سوق میدهد تا جایکه احتمالاً هر یک از ما و دیگران مقصر به برخی از جرایم هستیم و باید که بطور پیشگیرانه بی خطر جلوه کنیم یعنی که نباید دچار جرایم شویم. تا جایکه اکثر آمریکایی ها به خطا میروند و ساده لوحانه تصور میکنند که شما تا حدی مجبور به انجام کاری غیر قانونی یا مضر هستید تا که به نوع از مداخله قوانین پرچم قرمز قرار ویا که هدف دستگیری قرار نگیرید، در واقع تمام کاری که شما باید در این روزها انجام دهید آن است که نباید نام شما در لست نظارت دولت درج شود، یا که بیشتر مورد شکاکیت و برررسی قرار بگیرد؛ استفاده از برخی واژه های ماشه ای (مانند ابر، گوشت خوگ، دزدان دریایی) گشت و گذر در انترنیت، برقراری ارتباط با تیلیفون همراه، لنگیدن یا لکنت، رانندگی اتومبیل، اقامت در هتل، شرکت در یک تجمع سیاسی، بین خودی در شبکه های اجتماعی، بیماری روانی، خدمت در ارتش، مخالفت با یک مقام اجرای قوانین تماس با بیماران برای کار، خرید مواد سخت افزار در فروشگاهها، در کلاس های پرواز ویا شرکت در قایق رانی اکثر در نظر حامیان قوانین پرچم قرمز مشکوک به نظر می آید ویا که شما گیج یا عصبی معلوم شوید، تند تند سوال نماید، یا به صدای بلند صحبت کنید، یا که بوی بد داشته باشید یا در حال تکاندن اسلحه در دست داشته ای خود باشید یا که بدست شما سامان بازی بشکل اسلحه باشد (مثل شیر دهن نل آب، یا جنبا ندن و شوردادن عصای در دست داشته از راه دور). از فاصله های دور به یک افسر پلیس خیره شوید یا از مقامات دولتی سوال نماید پس در این صورت بشما باید اخطار داده شود که پرحذر باشید تا در لست نظارت بر تروریستان یا در لست نظارت از اشخاص با داشتن پرابلم های روانی یا در لست مشکوک از کسانی مسلح، قرار نگیرید ویا که به هیچ صورت بهانه ای برای پیاده کردن ویا بکار بردن قوانین پرچم قرمز در حصه

خویش بدست مجریان قوانین پرچم قرمز ندهید.

هزینه و مصارف بودجوی سراسری پلیس، ملت را بیشتر به بدیهی سوق داده است؛ هزینه های جنگ آمریکا در حال حاضر بیش از «20» تریلیون دلار آمریکایی است که آمریکا را به ورشکستگی کشانده است؛ پلیسی کردن سراسری کشور و به راه انداختن؛ جنگ های نامعلوم و بی پایان در خارج از کشور آمریکا و با بقیه جهان را ایمن و یا مصون نکرده است. اما مجتمع صنعتی نظامی را با نه پرداختن مالیات هرچه ثروتمند کرده است، گفته میشود که ایالات متحده آمریکا همین اکنون بیش از (1,3) ملیون پرسونل اعم از زن و مرد در ارتش خود دارد که در حال انجام وظایف شان هستند، که بیش از (200000) نفر آنها تقریباً در هر کشور جهان در خارج از آمریکا مستقر شده اند. با این وجود نیروهای نظامی آمریکا برای محافظت از آزادی های ما در داخل و در خارج از کشور مستقر نشده اند بلکه از استقرار آنها برای محافظت میدان ها و یا میادین نفتی، ایجاد زیر ساخت های بیرونی و محافظت از منافع مالی نخبگان شرکت های عمده استفاده میشود. در واقع ارتش آمریکا در حدود (81) میلیارد دلار در سال صرفاً برای محافظت از منابع نفتی در سراسر جهان تخصیص میدهد. این است که چگونه یک امپراتوری نظامی جهان را اشغال میکند؛ حال آنکه در همین حال زیر ساخت های خود آمریکا در حال نابودی و از بین رفتن است.

با آزادی بیان دق الباب یک در پس از در دیگر شد، قوانین اعتراض، ساحات آزاد گفتاری؛ ساحات حباب زار؛ ساحات ستمکاری یا تجاوز؛ قوانین ضد زور گویی؛ سیاست های تحمل صفر؛ قوانین جرم متفرق؛ ممنوعیت سایه یا شبح در انترنیت و تعداد دیگری از بیماری های قانونی که توسط سیاستمداران و دادستان ها (وکسانیکه از آنها حمایت میکنند) دیده و یا تحمیل میشود «کسانیکه میخواهند سختی را که ممکن است با آن مخالف باشند سرکوب کنند» توطیه کردند تا آزادی های اصلی ما را از بین ببرند؛ گویا برای منافع خود مان؛ حد اقل بر اساس نیشته به روی کاغذ و بر مبنای قانون اساسی ایالات متحده که ما از نظر فنی آزاد صحبت میکنیم؛ در واقع ما فقط آزادهستیم که بعنوان یک مقام دولتی یا از یک تریبون دولتی صحبت میکنیم؛ یا ممکن است نهادهای شرکتی مانند فیسبوک؛ گوگل یا تیوب؛ مجوز صحبت کردن را دارند؛ دلایل مبنی بر سانسور کردن از درستی و صحت سیاسی اصطلاحاً نگرانی های ایمنی و قدری گرفته تا امنیت ملی و جنایات نفرت متفوت بود اما نتیجه نهایی همان بود؛ یعنی ریشه کن کردن کامل آزادی بیان.

دولت عمیق (پنهان) زمام امور را بدست گرفت؛ سیستم نمایندگی و یا وکالت از مردم آمریکا توسط دولت عمیق و یا مخفی سرنگون شده است؛ همچنین دولت شناخته شده پلیس و شرکت شناخته شده مجتمع صنعتی نظامی؛ دولت شرکتی ستیزه جو و سودآور که از طریق وضع حکومت نظامی بر کنترل کامل و سلطه بر جهان چه در داخل کشور و چه به ایجاد جنگ در خارج از کشور متمایل است کنون کاملاً قابل شناخت است. دولت مردم توسط مردم و برای مردم کاملاً نابود شده است؛ به جای آن یک دولت سایه؛ یک بروکراسی سازمان یافته و نظامی شده و ریشه دار عرض اندام کرده که کاملاً عملیاتی است و توسط مقامات انتخاب نشده ای کشور را اداره میکنند؛ سوت ها (SWAT) اقدامات نظامی و یا دستورالعمل های واشنگتن دی سی را بکار می برند یا مطابق آن عمل میکنند؛ مهم نیست که در کاخ سفید چه کسی مستقر باشد و یا که براریکه قدرت تکیه زده باشد؛ حواس تان باشد یا که باید متوجه بود! بویژه در ارتباط دولت؛ من به بروکراسی دوحزبی از جمهوریخواهان و دموکرات ها اشاره نمیکنم بلکه در عوض من به دولت با کلمه ای بزرگ (G'=Great) اشاره میکنم؛ دولت عمیق ریشه دار؛ که تحت تاثیر انتخابات قرار نمیگیرد؛ توسط جنبش ها و تحركات پوپولیستی تغیر نمیکند و خود را فراتر از حد مجاز قانون قرار داده است این چهره پنهان دولتی است که هیچ احترامی برای آزادی شهروندی خود قایل نیست. این دولت سایه که بدون توجه به اینکه چه کسی بطور رسمی در قدرت است؛ طبق خواست و عنوان خود کار میکند دولت را به تمسخر میگیرد. مبنی بر حقایق یا اطلاعات حاصله آنچه بنیانگذاران این کشور از آن هراس داشتند اکنون در آمریکا مدرن همان کسانی ناخوانده تسلط دارند یعنی ما مردم با حکومتی روپرو شده ایم که دیگر دوست دار آزادی نیست؛ و بخاطر تامین تمایلات و یا منافع خود قانون اساسی را زیر پا میگذارد. و شهروندان را در مقابل قدرت های دولت در دست داشته خورد میکند و با داشتن قدرت دولتی به سوء استفاده می

پردازد.

بنا بر این شما چگونه میتوانید؛ که تناسب عدالت را در آن زمان متوازن کنید که آمریکایی ها ریز خورده ویا متأثر شده اند؛ در حال قرنطین هستند ، با میله ها لت وکوب میشوند ؛ بالای آنها گلوله های پلاستیکی شلیک میشود ؛ و بعضاً با گلوله ها ویا مرمی های واقعی از پا در آورده میشوند ... در قفس ها ولانه ها تاریک نگهداری ویا حبس میگردند ؛ باز هم گفته میشود که تقلید کنید ؛ تعاون برقرار کنید ؛ ؛ آنها که دستگیر میشوند ؛ زندانی میشوند ؛ قرنطین میشوند ، وسرا نجام از هرگونه آزادی های شخصی و مدنی محروم شده اند ویا که محروم میشوند .

مهم نیست که چه کسی در کاخ سفید براریکه قدرت بنشیند ویا که نه نشیند ؟ او هرگز سیاست نظامی را حذف کرده نمیتواند که قابل تعمیر ویا اصلاح نباشد .
به همین دلیل ، اعتراضات و جنبش های پوپولیستی نیز در مورد عقب نشینی علیه یک رژیم استبدادی که ناشنوا از گریه های ما گنگ ؛ در برابر مشکلات ما واز نظر تامین نیازهای ما کور و نابینا است ودر برابر سوال های هیچکس پاسخگو نیست . وکاری زیادی هم نکرده است .
بنا بر این شما چگونه ؛ نه تنها در برابر بیروکراسی ؛ فساد و بیرحمی دولت عقب نشینی میکنید ؛ بلکه ضد انقلاب را با هدف بازپس گیری وکنترول با نظارت دولت با استفاده از ابزار های غیر خشونت آمیز آغاز میکنید؟

شما با تغییر قوانین ودرگیر کردن با برخی از تاکتیک های چریکی « بدون خشونت» شروع میکنید . نشانه ها با سگنال خود را از متمم « اصلاحیه » دهم بگیریید وهرکاری را که دولت در برابر اصولی که این ملت براساس آن بنا شده است ؛ انجام دهید ؛ لغو کنید ؛ اگر راهی برای خنثی کردن دولت را در راهپیمایی های بی امان خود به سوی دیکتاتوری آشکار باقی مانده باشد با قدرت هیبت منصفه و دولت های محلی بتوانید قوانین ؛ تاکتیک ها و سیاست های دولتی را غیر قانونی ؛ بی ادعا یا که اگر آشکاراً ضد قانون اساسی اند بی اعتبار کنید .
در عصری که مقامات دولتی متهم به تخلف ؛ افسران پلیس ؛ مقامات منتخب و غیره با نرمش عمومی در مان میشوند یا که باید با آنها رفتار شود وقتی که شهروندان عادی بطور کامل حسب قانون تحت پیگرد قرار میگیرند ؛ باطل کردن با یک یادآوری قدرتمند است ؛ که بعنوان قانون اساسی بما میگوید : « ما مردم » دولت هستیم .

ما از مدت طولانی به اصطلاح به « نمایندگان » خود اجازه داده ایم که گلوله ها را به صدا آورند اکنون وقت آن است که تابعیت را به جایگاه شایسته ای خود در جمهوری برگردانیم البته بعنوان اربابه یا کل اختیار نه بعنوان مزدور ویا نوکر .
باطل کردن یکی از روش ها انجام این کار است .

منظور آمریکا در ابتدا این بود که اساساً سیستمی از دولت های محلی باشد ، که البته فاصله زیادی با بیروکراسی عظیم فدرال امروز دارد ؛ درک آنچه در حیاط خانه شما ؛ در خانه محله ؛ منطقه ؛ یا ناحیه مدرسه ؛ شورای شهر ؛ انجام میشود و اقدام در سطح محلی باید نقطه شروع کار باشد .
پا سخگویی به نیاز های محلی برآورده نشده است ، وواکنش در مقابل بی عدالتی ها که در آن فعالیت های مردم شامل است که در جلسات شورای محلی شرکت کنند ؛ در جلسات تالار شهر سخنرانی کنند اعتراضات و مبارزات و نامه نویسی را سازماندهی کنند ؛ مقاومت بدون خشونت و نافرمانی مدنی را بکار بگیرند ؛ که **ماترلوتر کینگ** ... از تحسن ؛ تحریم و راهپیمایی بسیار موثر کار میگرفت ویا که از آن استفاده کرد آنرا در نظر داشت .

قدرت تغییر حالات ویا اوضاع به سمت بهتر به عهده ما است و نه به عهده سیاستمداران ؛ تا زمانیکه ما همچنان اجازه دهیم که بی عدالتی ؛ بیرحمی ؛ پستی وندایت ؛ بد اخلاقی ؛ نادانی ؛ مادی گرایی ؛ حقارت ؛ نفرت ؛ عدم تحمل ؛ نژاد پرستی ؛ نظامیگری ؛ یا بزرگ نمایی توسط اتاق های فکری ویا پژوهاک از توییت های نا خوشایند و بی رحمی مجازات شده توسط دولت ؛ برحق ؛ عدالت و برابری ادامه یا بدویا که این دولتمردان زیر عنوان تا مین عدالت به همچو اعمال خود ادامه دهند ؛ هیچ امیدی در برابر این دولت پلیسی وجود نخواهد داشت .
ما میتوانیم این ملت را متحول ویا تغییر شکل دهیم اگر فقط امریکایی ها با هم کار مشترک کنند تا

قدرت نارضا یتی خود را بدست آورند و در برابر زیاده خواهی؛ افراط و تفریط و سوء استفاده دولت مقاومت کنند و دولت را به عقب نشینی از اقدامات ناپسند اش وادارند. همانطور که من در کتاب خود تحت عنوان میدان جنگ آمریکا (Battlefield America) روشن کردم؛ دولت پلیس با قدرت بیشتری از هر زمان دیگر به جلو می رود. اگر قرار باشد در سال (2021) امیدی به آزادی باشد؛ این به ما «مردم» برمیگردد.

چند سطر در مورد نویسنده :

او وکیل دادگستری؛ نویسنده قوانین اصلی و اساسی؛ بنیانگذار و رییس موسسه راترفورد (Rutherford) و نویسنده کتاب تحت عنوان (Battle Field America) است با او میتوان در (www.amazon.com) و در ایمیل (johnw@rutherford.org) تماس گرفت .

===== **با تقدیم سلامها** « 2021-01-12 » .